

[مسالک وضع 1](#_Toc24461800)

[الف: اعتباریت وضع 1](#_Toc24461801)

[ب: تعهّد 1](#_Toc24461802)

[ج: قرن أکید 2](#_Toc24461803)

[بررسی مسلک قرن أکید 4](#_Toc24461804)

**موضوع**: قرن أکید/ مسالک وضع/ وضع/ مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مسالک وضع قرار دارد که دو مسلک اعتباریت وضع و تعهّد مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه مسلک قرن أکید که در کلام شهید صدر مطرح شده است، مورد بررسی قرار می گیرد.

# مسالک وضع

در مورد حقیقت وضع مسالک متعددی وجود دارد که عبارتند از:

## الف: اعتباریت وضع

اولین مسلک در مورد وضع، اعتباریت وضع است که دارای چهار صیاغ است. این مسلک در مباحث پیشین مورد بررسی قرار گرفته و بیان شد که این موارد، تفسیر وضع به معنای مصدری- عملی که واضع انجام می دهد- خواهد بود و مختار صیاغت چهارم است که در آن جعل علامیت به معنای جعل لفظ به عنوان آلت ابراز معنا مطرح شده است.

## ب: تعهّد

دومین مسلک وضع که مورد پذیرش جمعی از اعلام از جمله مرحوم آقای خویی[[1]](#footnote-1) قرار گرفته، مسلک تعهد است. در این مسلک بیان شده است که واضع متعهد است که به عنوان مثال لفظ «أسد» را استعمال نکند الا اینکه حیوان مفترس را اراده کرده باشد.

در اشکال به این مسلک بیان شد که واضع تعهدی ندارد و چه بسا در مواردی همانند وضع اسم نوزاد توسط دیگران، اساساً استعمال کننده نیز نباشد. در صورتی هم که استعمال کننده باشد، چه بسا بخواهد به غرض ایهام، لفظ را بدون قرینه در معنای مجازی استعمال کند و لذا این گونه نیست که هیچ گاه نخواهد که لفظ را بدون قرینه در معنای مجازی استعمال کند.

آقای سیستانی در مورد استعمالات مجازی در دفاع از مرحوم آقای خویی فرموده اند: استعمال مجازی منافاتی با تعهد واضع نخواهد داشت؛ چون مجازها از قبیل مجاز سکاکی است و لذا در مثال «رأیت أسداً»، لفظ «أسد» در رجل شجاع استعمال نمی شود، بلکه ولو اینکه قصد رجل شجاع وجود دارد، اما در حیوان مفترس استعمال شده و ادعاءاً تطبیق بر رجل شجاع شده است.

به نظر ما دفاع آقای سیستانی صحیح نیست؛ چون معنای کلام ایشان این است که واضع متعهد نیست که لفظ را استعمال کرده و فرد حقیقی آن را اراده کند و به همین جهت واضع متعهد نیست که هنگام استفاده از تعبیر «رأیت أسداً»، بر فرد حقیقی که حیوان مفترس است تطبیق داشته باشد و لذا با توجه به اینکه احتمال تطبیق آن بر فرد ادعایی وجود دارد، مخاطب نمی‌توان بر فرد حقیقی تطبیق کند، در حالی که این مطلب خلاف تعهد واضع است؛ چون تعهد واضع برای مشخص شدن مراد بودن حیوان مفترس از لفظ «أسد» بر این است که بدون قرینه، استعمال مجازی نداشته باشد و این تعهد شامل استعمال مجازی به نحو مجاز لغوی و مجاز ادعائی می شود.

البته ممکن است ادعاء شود که ظهور در معنای حقیقی ناشی از تعهد واضع نیست بلکه ناشی از غلبه اراده معنای حقیقی توسط عقلاء است. در پاسخ می گوییم: طبق این مطلب اساساً ظهور در معنای حقیقی از غلبه نشأت گرفته و نیازی به تعهد نخواهد داشت بلکه بدون تعهد هم در صورتی که دلالت تصوری الفاظ با معانی خاصی باشد، مثل اینکه دلالت تصوری «أسد» بر حیوان مفترس باشد، عادتاً عقلاء برای تفهیم معانی از الفاظی استفاده می کنند که دلالت تصوری بر آن معنا داشته باشد و این غلبه موجب ظهور شده و نیازی به تعهد نخواهد داشت و در نتیجه ادعای ذکر شده، مسلک تعهد را نتیجه نخواهد داد؛ چون طبق مسلک تعهد، ظهور لفظ در معنا و مصداق حقیقی، تعهد واضع بوده و چیز دیگری نیست.

## ج: قرن أکید

سومین مسلک از مسالک وضع که مورد پذیرش شهید صدر قرار گرفته، قرن أکید است. [[2]](#footnote-2)

شهید صدر در تبیین قرن أکید که از آن تعبیر به منبّه شرطی یا بازتاب شرطی می کنند، فرموده اند: در صورتی که بین دو چیز به صورت مکرر اقتران وجود داشته باشد، در ذهن انسان تداعی معانی رخ خواهد داد. به عنوان مثال در صورتی که اغلب موارد «نوفلی» و «سکونی» در سند روایات کنار یکدیگر مشاهده شود، با شنیدن لفظ «نوفلی»، تداعی معانی نسبت به «سکونی» رخ می دهد و با شنیدن «سکونی» نیز «نوفلی» تداعی معانی خواهد شد که این حالت قرن أکید خواهد بود. عقله وضعیه نیز قرن أکید بین لفظ و معنا بدون واسطه است. به عنوان مثال لفظ «أسد» در ذهن افراد با معنای شیر دارای قرن أکید است؛ چون در اثر کثرت استعمال که عامل کمّی است یا در اثر وضع تعیینی مثل وضع کردن رئیس قبیله که عامل کیفی است، لفظ «أسد» با آن حیوان مفترس اقتران أکید پیدا کرده است. حال زمانی که لفظ «أسد» از فرد دیگر شنیده شود، شنیدن آن موجب انتقال به حیوان مفترس خواهد شد. البته لزوماً علم به لفظ لازم نیست تا سبب انتقال به معنا باشد، بلکه چه بسا احساس لفظ موجب انتقال شود کما اینکه نوزاد به حدی نرسیده است که علم پیدا کند، اما با شنیدن مکرر لفظ «شیر» در هنگام شیر دادن مادر به فرزند، در استفاده مادر از لفظ «شیر»، به معنای آن منتقل می شود ولو اینکه نوزاد اساساً سینه مادر خود را مشاهده نکرده باشد. بنابراین از احساس لفظ «شیر» به معنای آن منتقل می شود.

تاکنون کلام شهید صدر مورد عقله وضعیه به صورت مختصر بیان شد. البته ذکر این نکته لازم است که ایشان عقله وضعیه را مقید کرده اند که علقه وضعیه بین لفظ و معنا بلاواسطه باشد؛ چون زمانی که لفظ «غرش» شنیده می شود، انتقال به صورت «أسد» صورت می گیرد، اما در این انتقال واسطه وجود دارد؛ چون لفظ «غرش» ابتدا قرن أکید با صوت أسد دارد و صوت أسد به ذهن منتقل می شود و بعد به جهت قرن أکید بین صوت أسد و خود آن، انتقال به خود أسد صورت می گیرد و لذا دو قرن أکید وجود دارد که یک قرن أکید بین لفظ «غرش» و معنای آن و دیگری قرن أکید بین معنای «غرش» و معنای «أسد» است. در نتیجه اینجا قرن أکید بدون واسطه نیست و به همین جهت بین «غرش» و «أسد» علقه وضعیه وجود ندارد.

شهید صدر در نتیجه گیری از بیانات خود فرموده است: مرحوم آقای خویی دلالت وضعی را دلالت تصدیقی دانسته و به عنوان مثال لفظ «أسد» را برای اراده تفهیم حیوان مفترس دانسته اند. در نتیجه به نظر مرحوم آقای خویی در صورتی که لفظ «أسد» از فرد در حال خواب شنیده شود و حیوان مفترس به ذهن خطور کند، علقه وضعیه نخواهد بود بلکه دلالت انسی است. در حالی که وضع از مقوله تصور است؛ چون علقه وضعی قرن أکید است که در صورت وجود قرن أکید بین احساس یک لفظ و تصور معنا ولو اینکه لفظ از نائم شنیده شده یا اینکه موج هوا آن را ایجاد کند، دلالت وضعی خواهد بود.

ایشان در توضیح عوامل ایجاد قرن أکید فرموده اند: عامل ایجاد قرن أکید گاهی کمی بوده و در برخی موارد کیفی است. عامل کمّی کثرث استعمال در وضع تعیّنی است که تکرار یک لفظ برای یک معنا موجب می شود که قرن أکید بین لفظ و معنا ایجاد شده و بدون قرینه نیز از این لفظ به آن معنا انتقال صورت گیرد کما اینکه استعمال لفظ «صلاة» در مورد عبادتِ مخصوص، در ابتدا حقیقی نبوده و همراه با قرینه به کار می رفته است، اما به مقداری تکرار شده است که کثرت استعمال قرن أکید ایجاد کرده و دیگر از لفظ «صلاة» معنای لغوی آن به ذهن خطور نمی کند بلکه همان عبادت مخصوص در ذهن حاضر می شود. گاهی هم منشأ قرن أکید عامل کیفی است که واضع به صورت واضح اعلام می کند که مثلا نام نوزاد را «علی» قرار داده ام که این اعلام که دارای کیفیت بالایی است، موجب نقش بستن لفظ در اذهان و ایجاد اقتران بین لفظ و معنا ایجاد می شود. بنابراین در وضع تعیینی مُنشَأ دارای اهمیت نیست بلکه مهم این است که عملیات انشاء و اعتبار در واضع که عمل تکوینی است، موجب قرن أکید بین لفظ و معنا در اذهان می شود.

نکته دیگر در کلام شهید صدر این است که ایشان فرموده اند: وقتی معنای علقه وضعیه قرن أکید باشد، همان طور که قرن أکید نسبی است، علقه وضعی هم نسبی خواهد شد؛ چون قرن أکید به این است که بین لفظ و معنا در ذهن افراد اقتران أکید رخ داده و بازتاب شرطی داشته باشد؛ لذا ممکن است قرن أکید در ذهن افرادی وجود داشته و در ذهن سایرین اقتران نباشد و در نتیجه امر نسبی خواهد بود که در این شرائط هر فردی که عالم به کثرث استعمال یا وضع تعیینی باشد، در ذهن او بین لفظ و معنا قرن أکید ایجاد خواهد شد، در حالی که اگر وضع به صورت مسلک اعتبار یا تعهد تفسیر شود، نسبیت وجود ندارد؛ چون وقتی واضع اعتبار کرده یا متعهد می شود، به صورت مطلق صادق است که لفظ برای معنا وضع شده است. اما طبق قرن أکید علقه وضعی به صورت نسبی خواهد بود.

### بررسی مسلک قرن أکید

در مورد مسلک قرن أکید مطالبی قابل ذکر است:

1. قرن أکید تفسیر وضع به معنای مصدری نیست، بلکه تفسیر وضع به معنای اسم مصدری است؛ چون اگر فردی امروز نام نوزاد خود را «علی» قرار دهد، عرف حکم می کند که نام «علی» را بر فرزند خود وضع کرده است و این وضع به معنای مصدری است؛ چون ممکن است کسی مطلع نشده و علقه وضعی به صورت قرن أکید در ذهن آنان شکل نگرفته باشد. البته ممکن است با توجه به نسبی بودن علقه وضعی گفته شود که اگر پدر اعلام نکرده یا اینکه اعلام او مورد توجه واقع نشده و دیگران نام دیگری را انتخاب کرده باشند، در ذهن خود پدر علقه وضعی وجود دارد.

بنابراین ممکن است که در مورد وضع به معنای مصدری، همانند ما مسلک اعتبار مورد پذیرش واقع شده و تفسیر علقه وضعی به قرن أکید نیز مورد پذیرش واقع شود؛ چون قرن أکید تفسیر وضع به معنای اسم مصدری است.

1. در کلمات نقل شده از شهید صدر تهافت وجود دارد؛ چون در کتاب بحوث بیان کرده اند که وضع، قرن أکید بین لفظ و معنا است و ملازمه بین تصور لفظ و تصور معنا در ذهن سامع فرع قرن أکید است که طبق این تعبیر قرن أکید سبب تشکیل ملازمه ذهنی بین تصور لفظ و معنا است، اما تعبیر ایشان در کتاب مباحث الاصول این است که روح وضع، اقتران بین لفظ و معنا است و لذا در حق جاهل به وضع با توجه به اینکه در ذهن او اقتران مخصوص بین لفظ و معنا ایجاد نشده است، وضع محقق نشده است.[[3]](#footnote-3)

دو مطلب نقل شده دارای تهافت هستند؛ چون عبارت کتاب بحوث بیان کرده است که قرن أکید عین ملازمه ذهنی بین لفظ و معنا در ذهن سامع نیست بلکه ملازمه ذهنی فرع قرن أکید است، اما در کتاب مباحث الاصول بیان کرده اند که روح وضع همان اقتران لفظ به معنا در ذهن است که در ذهن عالم به وضع محقق می شود و در حق جاهل به وضع، هنوز وضع تمام نشده است. در کتاب مباحث الاصول در مورد جاهل به وضع که در مورد او ملازمه ذهنیه ایجاد نشده است، قرن أکید و علقه وضعی نفی شده است که معنای آن این است که علقه وضعی همان ملازمه ذهنی بین لفظ و معنا است که این ملازمه در ذهن جاهل شکل نگرفته است و در نتیجه وضع شکل نگرفته است.

بنابراین دو تعبیر شهید صدر متفاوت است و باید مورد بررسی قرار گیرد که قرن أکید همان ملازمه ذهنی بین لفظ و معنا است یا اینکه ملازمه ذهنی از آثار قرن أکید است؟ در این زمینه انصاف این است که کلام مباحث الاصول صحیح است؛ چون در خارج صرفاً انشاء واضع تعیینی یا کثرت استعمال وجود دارد که شهید صدر این امر را وضع ندانسته اند، بلکه از آنها به عنوان علت تحقق وضع یاد کرده است.[[4]](#footnote-4) بنابراین وضع تعیینی یا تعینی سبب علقه وضعی است و خود آن علقه وضعی نیست. غیر از وضع تعیینی که انشاء واضع است یا وضع تعینی که کثرت استعمال است، امر دیگری غیر از ملازمه ذهنی بین لفظ و معنا وجود ندارد و اگر بنا باشد که همان ملازمه ذهنی نیز از نتایج قرن أکید باشد، قرن أکید وجود نخواهد داشت و لذا لازم است که در تحلیل گفته شود که قرن أکید همان ملازمه ذهنی است.

1. به نظر ما ملازمه ذهنی امر نسبی است که ممکن است در ذهن فردی به جهت اطلاع از لغت وجود داشته و در ذهن دیگری به جهت عدم آشنایی وجود نداشته باشد. اما عرفا علقه وضعی بین لفظ و معنا نسبی نیست که در ذهن برخی از افراد وجود داشته و در ذهن برخی دیگر وجود نداشته باشد بلکه عقله وضعی بین لفظ و معنا دائر بین تحقق و عدم تحقق است.

1. . [محاضرات فی اصول الفقه، سید ابوالقاسم خویی، ج1، ص46.](http://lib.eshia.ir/27874/1/48/فالنتیجة) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج1، ص81.](http://lib.eshia.ir/13064/1/81/المختار) [↑](#footnote-ref-2)
3. . عبارتی که حضرت استاد از بحوث بیان کردند این گونه است: «الوضع عملیة قرن الأکید بین اللفظ و المعنی و الملازمة بین تصور اللفظ و تصور المعنی فی ذهن السامع فرع هذا القرن الأکید.» این عبارات صفحه 165 از جلد 1 کتاب بحوث قابل استفاده است.

   عبارت مباحث الاصول نیز در کلام استاد این گونه بیان شد: روح الوضع هو اقتران اللفظ بالمعنی فی الذهن ففی حق الجاهل بالوضع، لم یتم الوضع بعد، لعدم تحقق الاقتران المخصوص بین اللفظ و المعنی فی ذهنه.» این عبارت مستفاد از عبارات بیان شده در صفحه 105 از جلد اول کتاب مباحث الاصول است. [↑](#footnote-ref-3)
4. . حضرت استاد برای روشن شدن این مطلب به این عبارت اشاره کردند: الاقتران الأکید قد یکون بسبب عامل کیفی او عامل کمّی و هو کثرة الاستعمال و لیس الوضع أمرا اعتباریاً بل هو أمر تکوینی و استخدام الإنشا فی مورد الوضع التعیینی لایجاد هذا القرن الأکید لایعنی أنّ المنشأ هو القرن الأکید بل یکون الإنشا علمیة تکوینیة موجبه لتحقق هذا القرن الأکید تکویناً. [↑](#footnote-ref-4)